



● گفت‌وگو با سید علی حسینی

گفت‌وگوی «شرق» با کمال تبریزی درباره تلویزیون ، سینما و شبکه نمایش خانگی

سینما از درون وفاق ندارد، همه در آن دخالت می‌کنند

ساترا برخورد نسبتاً خشنی با هنرمندان دارد

بهزاد شیربانی: سینما در ایران مسیر تازه‌ای را آغاز کرده است. این جمله‌ای است که در سال‌های اخیر از زبان بسیاری از اهالی سینما شنیده می‌شود و طبیعی است که اهالی آن، واکنش‌های متفاوتی به این تغییر مسیر نشان می‌دهند. برخی سکوت کرده‌اند. برخی هم‌مسیر شده‌اند و افرادی هم کنار گذاشته شده‌اند! از دیدگاه «کمال تبریزی»، کارگردان صاحب‌نام سینمای ایران، ریشه هر اتفاقی که امروز در سیاست‌گذاری‌های مربوط به سینما می‌بینیم، از رفتار خود اهالی سینما نشئت گرفته است. او معتقد است حالا دیگر سینمایی ما به یک قانون اساسی نیاز دارد که همه اعضا به آن پایبند باشند. کارگردانی که فیلم‌های متنوعی در کارنامه دارد و عموماً بخشی از کارنامه‌اش را ساخت فیلم‌هایی سیاسی، با رویکرد کم‌دی تشکیل می‌دهد، مدت‌هاست تصمیم گرفته نسبت به اتفاقات پیرامونش سکوت کند. چرایی این سکوت و تعیین تکلیف سریالی ساخته او که سال‌هاست مهر توقیف خورده، از موضوعاتی است که با کمال تبریزی درباره آن صحبت کردیم.

● مدت‌هاست از شما اظهارنظر جدی درباره سینما نمی‌بینیم، حتی برخلاف سابق که با ساخت یک اثر به برخی از اتفاقات سیاسی و اجتماعی پیرامون واکنش نشان می‌دادید، این بخش نیز کم‌رنگ شده است. سال‌ها پیش معتقد بودید دیگر در حلقه افراد مورد اطمینان نیستید، این سکوت شما سیاسی است؟

گاهی به عنوان فردی که در اجتماع حضور دارید، با مردم در ارتباط هستید و به نوعی کنش اجتماعی دارید، بحث و گفت‌وگو اتفاق می‌افتد و تبادل نظر صورت می‌گیرد. در این شرایط ممکن است هریک از طرفین متوجه شوند که اشتباه کرده‌اند. در این بحث و گفت‌وگو است که بالاخره هر دو طرف و افرادی که مستمع آنان هستند، به درجه بالاتری از آگاهی و شناخت دست پیدا خواهند کرد. در تمام سال‌های گذشته هرگاه گفت‌وگویی صورت می‌گرفت یا چالش اجتماعی به وجود می‌آمد که لازم بود اظهارنظر و بیانیه‌ای نوشته و در نهایت اعلام موضع شود، من هم مشارکت داشتم و فعال بودم اما از دوره‌ای به بعد احساس کردم این گونه از مشارکت را نمی‌پسندند. همچنین در ادامه متوجه شدم همین گفت‌وگوها بیش از اینکه باعث رشد و تبادل نظر شود، موجب ناراحتی، افسردگی و خشم‌کنی طرف گفت‌وگو می‌شود، در چنین حالتی بود که با خود فکر کردم سکوت بهترین راه‌حل است. فرض کنید افرادی در سینما قصد دارند درباره موضوعی نظر بدهند، حرفشان را بزنند و اساساً درمورد چیزی که به آن اعتقاد دارند صحبت کنند، اگر قرار است این حرف، فردی را عصبانی کند و بعد منجر به اتفاقات نامطلوبی شود، به نظر من باید سکوت کرد. اگر واقعا طرف مقابل شما اصراً عجیبی برای نادیده‌گرفتن نظرات شما دارد، به نظر من در این شرایط حرف‌زدن بهترین گزینه است.

● **کنجکاو بدانم در این چند سال درباره کدام موضوعات صدای شما شنیده نشده؟ شما اصولاً اهل محاسبه نیستید و به راحتی اظهارنظر می‌کنید…**

اشاره به محافظه‌کاری نیست، به شرایطی رسیده‌ایم که تنش‌ها آن قدر زیاد شده که فقط منتظر هستیم کسی حرفی بزند و دیگری به قول معروف به خودش بگیرد. فکر می‌کنم بخشی از این ماجرا به دلیل حضور فضای مجازی در زندگی روزمره ماست و اینکه هر فردی به خود اجازه می‌دهد درباره هر موضوعی اظهار‌نظر کند؛ مثلاً این اواخر یکی از همکاران سینمایی اعتراضی به مدیریت فعلی وزارت ارشاد داشت و نظرش این بود که درحال حاضر مدیریت فرهنگی کشور دچار مشکل است، من آیتمی را در گوگل فعال کرده‌ام که اگر صحبت‌هایی درمورد موضوعات سینمایی، اشخاص یا خودم وجود داشته باشد گوگل به من اطلاع می‌دهد و خبرهای مختلف را برایم ارسال می‌کند. بعد از این اظهارنظر در فاصله بسیار کوتاهی، فردی که او هم از دوستان ماست، از این صحبت‌ها بسیار آشفته شد!

خلاصه اینکه شهر آن قدر شلوغ شده که اصطلاحاً می‌گویند قورباغه هم هفت‌تیر نمی‌کشد. همه به خودشان اجازه می‌دهند وارد هر بحثی شوند حتی اگر اصلاً به آنان مربوط نباشد، بنابراین در این شرایط به این نتیجه می‌رسیم که حرف‌زدن در‌احل بهتری است و به همین دلیل مدت‌هاست به دعوت رسانه به‌اصطلاح ملی پاسخ منفی می‌دهم. رسانه‌ای که پیش از این حضور فعالی در آن داشتیم و در برنامه‌های مختلف تلویزیونی حضور پیدا می‌کردم، حرف می‌زدم و اختصاصاً اگر موضوع بحث، سینما بود با علاقه در آن شرکت می‌کردم. اما در برخی جلسات متوجه نگاه جدید آقایان شدم و احساس کردم دیگر به دنبال نظرات من نیستند، بلکه قصد اصلی آنان تخطئه من است و دنبال موضعی هستند که آن را بگویند. از اینجا بود که تصمیم گرفتم تا اطلاع ثانوی به دعوت تلویزیون پاسخ منفی بدهم، چراکه معتقد

www.sharghdaily.com

و اعلام کرد که سریال به دلیل کیفیت پایین متوقف شده است اما واقعیت این بود که ممیزی در سیما اجازه نمی‌داد که چنین مضمونی از کانال‌های تلویزیونی پخش شود و متأسفانه به این دلیل ساخت سریال متوقف شد. قصدم از گفتن مطلب این بود که ما به مرور در مسیری پیش می‌رویم که به طور طبیعی نمی‌توان وارد حیطه‌های حساسی شد که به لحاظ ممیزی مورد قبول و تمایل افرادی به عنوان ناظر در نهادهای مختلف باشد، در مقابل و در بخش خصوصی هم موضوعاتی مورد پسند صاحبان سرمایه است که تھی از اندیشه هستند و عمدتاً ایده‌های پیش پا افتاده یا در حد ابتدال دارند. متأسفانه تضمین بازگشت سرمایه به غلط یا در ست به چنین موضوعاتی وابسته شده است، در چنین شرایطی طبیعی است گروهی از فیلم‌سازان که حرفی برای گفتن دارند کم و بیش کنار گذاشته شوند و این مهم‌ترین دلیل بی‌کاری بسیاری از همکاران من است.

● **دلیل توقف ساخت سریالی که اخیراً برای شبکه نمایش خانگی تدارک می‌دیدید هم همین موضوع است؟**

برای ساخت این سریال زحمت زیادی کشیده شد و فکر و ایده متفاوتی برای آن داشتم. قصد داشتم با ساخت این سریال اندکی تحول ساختاری در شبکه نمایش خانگی ایجاد شود و شبیه سریال‌هایی که برای مردم عادی شده و همین‌طور پشت سر هم ساخته می‌شوند، نباشد. طبیعی است که در بخش خصوصی، سرمایه‌گذار انتظاراتی دارد و شرط ساخت سریال ما هم این بود که روزانه در حدود ۱۰ دقیقه فیلم‌برداری کنیم. ابتدا قرار بود با به‌کارگیری دو دوربین در صحنه این‌کار انجام شود، اما رفتار عجیب سرمایه‌گذار و تعطیلی‌های بی‌دربی باعث شد به تهیه‌کننده جدید اعلام کنم چنین چیزی عملاً امکان‌پذیر نیست و دیگر نمی‌توان کیفیت را قربانی کمیت کرد. در نهایت با وجود اینکه پیش‌تولید آغاز شد و آماده فیلم‌برداری بودیم، متأسفانه همکاری ادامه پیدا نکرد.

در حوزه نمایش خانگی کمتر پیش می‌آید افرادی حاضر به ریسک در سرمایه‌گذاری باشند و بخش فرهنگی و هنری اثر برای آنها ارزش بیشتری از بازگشت سرمایه داشته باشد. با وجود این شرایط طبیعی است که بسیاری از فیلم‌سازان نتوانند به‌راحتی در سینما و شبکه نمایش خانگی کار کنند. حالا تقریباً همه می‌دانیم که پلتفرم‌ها، روش و اصول غلطی را در ساخت سریال‌ها طراحی و تدوین کرده‌اند و به‌سریعت به راهشان ادامه می‌دهند که من تصور نمی‌کنم پایان خوشی در انتظارشان باشد.

● **پس به نظر شما آسیب بزرگ شبکه نمایش خانگی در حال حاضر نبود تفکر لازم و روش درست و استاندارد سریال‌سازی است؟**

در همه جای دنیا سریال ساخته می‌شود. اما متأسفانه به شکلی معنادار فاصله بسیاری بین کیفیت ساخت سریال‌های ما با آنان وجود دارد. به نظر من، نبود تفکر و نداشتن مسیر مشخص برای ساخت و نمایش سریال‌های ایرانی باعث شده همه چیز شکل عجیب و غریبی پیدا کند و روش‌های تازه‌ای خلق شود که عمدتاً غلط و من‌درآوردی است. شوربخانه تفکری برای هدایت اندیشه اجتماعی به سمت موضوعات و مسائلی که نیاز جامعه است، وجود ندارد و تمایل بیشتر به سمت موضوعاتی است که صرفاً سبب خندیدن مخاطب می‌شود. خاطرم هست مدتی قبل به برنامه «خندوانه» رامید جوان انتقاد کردم، رامید هم با من تماس گرفت و بر سر موضوعی که به آن انتقاد داشتم بحث کردیم. دلیل اعتراض من این بود که چرا باید باری به هر جهت و هر طور شده بخندیم؟ دقیقاً مثل مهمان‌داران هواپیم‌ا که همیشه باید به شکل حرفه‌ای لبخند روی لب داشته باشند، ولی وقتی نگاهشان می‌کنید متوجه می‌شوید این لبخند مصنوعی است و اتفاقاً از نظر عصبی و روانی کاملاً حال طرف بد است، اما چاره‌ای نیست و قانون مهمان‌داران هواپیمایی این است که باید به روی مسافران لبخند بزنند، در صورتی که ممکن است از درون حال خوبی نداشته باشند و گرفتاری‌های متعدد زندگی، آنان را عصبی کرده باشد.

برنامه خندوانه هم چنین حسنی برای من داشت و حالا که دوباره به آن فکر می‌کنم، می‌بینم واقعا درست‌فکر می‌کردم؛ متأسفانه در این برنامه گاهی حرف‌هایی گفته می‌شد که احتمالاً نه‌تنها باور مخاطب، بلکه حتی باور کسانی که این برنامه را تولید می‌کنند هم نبود. شاهد حرف من اظهارنظرهایی است که درباره برنامه گفته می‌شود و البته میزان زیوش مخاطبان آن است. این انتقاد در درست زمانی که خندوانه در اوج بود، مطرح کردم که چرا مردم را تشویق می‌کنید بیهوده بخندند؟ جدا از اینکه پزشکان توصیه بسیاری به خندیدن می‌کنند و ممکن است نتایج خوب درمانی داشته باشند و روح و روان را به آرامش برساند، این مسیر خوبی برای یک برنامه تلویزیونی نیست و نتیجه‌اش این می‌شود که مردم حرفی نزنیم و بخندیم. درست‌مثل تعریف سینمای کم‌دی در سال‌های اخیر که به غلط به صورت خندانندن مخاطب به هر قیمتی درآمده و در چنین وضعیتی است که طبیعتاً سینیای کم‌دی جدی گرفته نمی‌شود، به نظرم جدی‌گرفتن سینمای کم‌دی و طنز از ساختنش مهم‌تر است. اگر فکر کنیم هر موضوعی که اصلاً حس‌درستی گرفته شود و باری به هر جهت دور هم خوش باشیم، نام آن سینمای کم‌دی است؛ کاملاً اشتباه فکر کرده‌ایم. اتفاقاً به‌عکس، این مدل فیلم‌سازی مثل مصرف مواد مخدر است. اگر در فیلم طنز و کم‌دی نق‌دی وجود نداشته باشد و صرفاً تمام مدت فقط محض خنده باشد، از اهداف اصلی سینمای طنز دور شده و به سینمای مبتذل خواهیم رسید و در شرایط فعلی احتمالاً برخی از سینماگران نخواهند توانست هم‌رنگ دیگرانی شوند که برای ساخت فیلمی که فقط نام کم‌دی را با خود دارد، به روش‌های معمول فیلم‌فارسی قدیم دور هم جمع شوند و روز به روز در طی این مسیر از هم پیشی بگیرند.

● **تا از موضوع آسیب‌های شبکه نمایش خانگی دور نشده‌ایم، باید گفت مدت‌هاست حرف و حدیث‌های بسیاری درباره چگونگی ارائه محصولات شبکه نمایش خانگی وجود دارد و رودررویی‌های «ساترا» و پلتفرم‌ها ابعاد پیچیده‌ای پیدا کرده است. آینده این مسیر را چطور پیش بینی می‌کنید؟**

اخیراً بابت سریالی که قرار بود در شبکه نمایش خانگی بسازم و متأسفانه به تعطیلی کشانده شد، جلساتی با اعضای ساترا در ساترا داشتم‌که به این نتیجه رسیدم ساترا روش اشتباهی را پایه‌گذار کرده و برخوردی را اعمال می‌کند ساترا با اهالی هنر و سازندگان آثار در پلتفرم‌ها درست نیست. ساترا معتقد است در حوزه سریال‌سازی تعادلی که باید، در موضوعات رعایت نمی‌شود و باید برخی موارد را محدود کرد و به لحاظ ممیزی باید بازنگری دیگری داشت و معتقدنر هنرمندان هرطور دلشان خواسته در بخش خصوصی عمل کرده‌اند. این تلقی برای ساترا دستاویزی شده تا برخورد نسبتاً خشنی با هنرمندانی

که در شبکه نمایش خانگی فعالیت می‌کنند، داشته باشد که من معتقدم این روش به‌هیچ‌وجه درست نیست و باید توأم با سعه صدر باشد. نوع رفتار و برخورد ساترا نباید بخش‌نامه‌ای، خشک و آیین‌نامه‌ای باشد.

متأسفانه این امکان به‌راحتی برای سازندگان آثار در شبکه نمایش خانگی وجود ندارد که در جلسات ساترا حضور داشته باشند. البته این امکان برای من احتمالاً به دلیل سابقه‌ای که در تلویزیون داشتم، فراهم شد تا در یکی، دو جلسه آنها حضور داشته باشم. رقتم و از نزدیک با آنها صحبت کردم که نتایج خوبی داشت و باعث شد نگاهی که شورا در ابتدا به فیلم‌نامه داشت، کاملاً تغییر کند. من توضیحاتی دادم و کانسپتی برایشان طراحی کردم، درباره شخصیت‌ها صحبت کردم و مشکل حل شد و ممیزی‌ای که پیش از این جلسه درمورد سریال اعمال شده و آن را غیر قابل ساخت و پخش اعلام کرده بودند، رفع شد؛ اما احتمالاً این اتفاق برای همه همکاران من رخ نمی‌دهد. این جلسات از شان شورای ساترا کم نخواهد کرد و برعکس وقتی با تهیه‌کننده، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس یعنی سه فردی که ماخذ فکری، نگارش و ساخت هستند، جلساتی برگزار کنند، به اعتبار آن می‌افزاید. باید با هنرمندان رودرو و بی‌واسطه صحبت شود و شک نکنید اگر چنین اتفاقی رخ دهد، ساترا ۹۰ درصد بیشتر موفق خواهد شد و به نتیجه‌ای که مدنظر دارد، دست پیدا خواهد کرد.

به نظر من هنرمندانی که در شبکه نمایش خانگی فعالیت می‌کنند، قصد ندارند چندان خارج از حیطه‌ای که مدنظر ساترا است، حرکت کنند و برگزاری این جلسات باعث می‌شود با توجه به محدودیت‌های مدنظر ساترا، راه سوم‌ی برای حل موضوع پیدا کنند. من معتقدم این‌روش باعث غنای کار نیز خواهد شد و خلاقیّت اثر افزایش پیدا می‌کند. در جلسه‌ای که با اعضای شورا در ساترا داشتم که اتفاقاً سیدمحسن مهرجانی نیز حضور داشت و من از ایام گذشته با او آشنایی دارم، چنین بحثی صورت گرفت که اگر با فیلم‌سازان رودرو گفت‌وگو شود و همه با هم استدلال خود را مطرح کنند و فرصت دفاع از نظریه خود را داشته باشند، خیلی راحت توافق مدنظر حاصل خواهد شد. این گفت‌وگوها از این نظر سازنده است که در غیر این حالت، هر دو طرف فکر می‌کنند طرف مقابل غرض‌ورزی و عناد دارد و ممکن نتوان به توافق رسید. یقین دارم در صورت برگزاری جلسات و گفت‌وگو، ساترا با افرادی به توافق خواهد رسید که قبلاً تصور نمی‌کرد امکان مصلاحه با آن فیلم‌ساز وجود داشته باشد. این دوربودن از هم باعث ایجاد سوءتفاهم بیشتر می‌شود؛ اما وقتی چشم در چشم قرار بگیریم، برخی از مشکلات خود به خود برطرف می‌شود. فکر می‌کنم اگر ساترا چنین روشی را در پیش بگیرد، قطعاً به نتیجه بهتری خواهد رسید و در آینده محصولات بهتری خواهیم داشت. بخش سریال‌سازی شبکه نمایش خانگی هم با مشکلاتی که قبلاً داشته، مواجه نمی‌شود و مسیر برای ساخت مجموعه‌های بیشتر و بهتر هموار خواهد شد.

● **جایی در ابتدای گفت‌وگو به انتقادهایی از وزارت ارشاد اشاره کردید، به نظر می‌رسد در ماه‌های اخیر تعداد انتقادهایی از این دست بیشتر شده و بسیاری معتقدند سیاست‌های وزارت ارشاد نیاز به بازنگری دارد. شرایط این روزهای سینما را چطور می‌بینید؟**

وقتی این دوره را با دوره‌های قبلی، دست‌کم دولت پیشین مقایسه می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که اگر یک جوادلوز به یکی می‌زنیم، یک سوزن هم به خودمان می‌زنیم. فکر می‌کنم بی‌انصافی است که ایمن رابطه و نبود تناسبی را که بین بدنه سینما و دولت یا وزارت ارشاد به وجود آمده، تماماً متوجه حوزه دولتی کنیم و بگوییم آنها مستندت که دایره سینما را محدود و تنگ می‌کنند یا مشکلاتی را به وجود می‌آورند. کمی هم به خودمان نگاه کنیم. طرف مقابل هم با خودش فکر می‌کند اگر با افرادی رودرو شود که به باور فکری نرسیده باشند و به هر لحاظ نتوانند خودشان را اداره کنند، به فکر دخالت می‌افتد و موضع‌گیری‌اش معنی‌دار می‌شود.

واقعیت این است که ما از درون سینما تا به امروز نتوانستیم به وفاق برسیم و طبیعی است که به‌همین‌دلیل دخالت‌های دیگران نیز بیشتر می‌شود. تا وقتی دعواهای درون‌گروهی وجود دارد و توافق نوشته‌ای ناپوشته‌ای براساس اصول مشخص نداشته باشیم، هر فردی ساز خودش را خواهد زد و طبیعی است که یک نهاد دولتی مثل وزارت ارشاد نیز با خود فکر می‌کند که اهالی سینما شایستگی لازم را برای اداره امور خود ندارند؛ سینمای ما حالا دیگر نیاز به یک قانون اساسی دارد که همه اعضا به آن پایبند باشند. به نظر من ریشه هر اتفاقی که امروز در سیاست‌گذاری‌های مربوط به سینما می‌بینیم، از رفتار خودمان نشئت گرفته است. اگر منصفانه نگاه کنیم، متوجه می‌شویم مجموعه اتحادیه تهیه‌کنندگان و کارگردانان سینما که اساساً باید به نوعی سرپرستی سینما را بر عهده داشته باشند و مسئول اصلی کیفیت و کمیت فرهنگ و هنر در سینما هستند، هنوز نتوانسته‌اند با هم به توافق و پذیرش نقاط مشترک اصلی برسند. اگر اعتراضی بحقی می‌کنیم که چرا در حوزه سینما نتوان امکان بروز انواع سلیقه و نگاه متفاوت وجود ندارد، دلیل ابتدایی و اصلی این است که خود ما هم اتاق فکری در این زمینه نداریم و به تنوع موضوعات در سینما فکر نمی‌کنیم، به دنبال سبب محصولات متنوع در حوزه تولید نیستیم و صرفاً به سود سرمایه و بازگشت چندبرابری اهمیت می‌دهیم.

این واقعیتی بزرگ و بسیار تلخ است که ما در سینمای ایران تشکل صنفی منسجم، هم‌اندیشه و همراه با یکدیگر نداریم. اگر این ضعف درخورتوجه از طرف ما وجود نداشت، هیچ‌کس نمی‌توانست در مقابل این مجموعه بایستد و خواسته‌های خود را به آن تحمیل کند. تا زمانی که نتوانیم سبب کاملی از محصولات در زمینه خانواده، کودک و نوجوان، سرگرمی و تفریحات مورد نیاز داشته باشیم تا سینمایی در حوزه فرهنگ و هنر و اندیشه ارائه بدهیم و مدام به فکر ساخت فیلمی باشیم که صرفاً پر فروش باشد، انتظاری جز شرایط فعلی نمی‌توان داشت. سال‌هاست سینمای محل حضور افرادی شده که تصور می‌کنند فیلم‌سازی مثل یک خم رنگرزی است که هر چیزی را می‌توان در آن ریخت و هم زد، در این حال بحث تضادی که بین بدنه سینما و دولت وجود دارد، حتماً نیاز به توجه و تأمل بیشتر دارد، حتماً دولت هم مقصر است؛ اما متأسفانه در بدنه سینما هم جای خیلی چیزها خالی است. انصاف داشته باشیم که بعد از این همه سال تجربه هنوز موفق به تشکیل صنف یکپارچه، منسجم و قدرتمند در سینما نشده‌ایم، هر گوشه‌ای یک ساز می‌زنیم و ارکستر هماهنگی برای خلق آثار متنوع هنری نداریم و طبیعی است که دیگران هم ساز خودشان را بزنند.